خبرها

تجمع دانشجویان عدالتخواه مقابل سفارت ترکیه

ایسنا: تعدادی از دانشجویان عضو جنبش عدالتخواه دانشجویی ظهر دیروز با تجمع مقابل سفارت ترکیه، اعتراض خود را نسبت به ممانعت مرزبانان این کشور از عبور اولین کاروان اعزامی دانشجویی به سمت لبنان نشان دادند. این تجمع که با مخالفت نیروی انتظامی نیز روبه‌رو شد با حضور دانشجویان برای ساعاتی ادامه داشت. در این تجمع ابتدا نیروی انتظامی خواستار برگزاری تجمع در خیابان مقابل سفارت شد و دانشجویان را از پیاده‌روهای مقابل سفارت دور کرد.

نظر کروبی درباره همبستگی، هفته آینده

ایلنا: ابراهیم اصغرزاده دبیرکل حزب همبستگی گفت که مهدی کروبی هفته آینده نظر خود را پیرامون نحوه تصمیم گیری در خصوص مسائل مربوط به برگزاری کنگره حزب همبستگی اعلام خواهد کرد. اصغرزاده خاطرنشان کرد: خوشبختانه تعداد کثیری از مدیران و روسای شعب در دفاتر حزب همبستگی تقاضا کرده‌اند که از کروبی برای میانجیگری دعوت کنیم که با توجه به تقاضای عموم کادرهای حزبی، من و تعدادی از اعضای شورای عالی حزب این موضوع را با ایشان مطرح کردیم و حال منتظریم کروبی با دخالت خود از بحرانی شدن بیشتر وضع همبستگی جلوگیری کند. اصغرزاده ادامه داد: کمیته‌ای را برای برگزاری کنگره در نهم شهریورماه تشکیل داده‌ایم که در حال فراهم کردن مقدمات برگزاری کنگره است اما در صورتی که کروبی بخواهد کنگره را در روز دیگر برگزار کنیم، این کار را خواهیم کرد.

عضو انصار حزب‌الله: غیرخودی‌ها به دنبال منافع آمریکایند

ایسنا: نشست انصار حزب‌الله یکشنبه این هفته با سخنرانی «کشانی» عضو شورای مرکزی انصار حزب‌الله و «محمدمهدی عبدخدایی» دبیرکل جمعیت فدائیان اسلام برگزار شد. در ابتدای این نشست، کشانی طی سخنانی اظهار داشت: گروه‌های چپ و راست، محافظه‌کار، اصولگرا، سنتی و دیگر دسته ها همه بی معنا و مفهوم هستند، تنها آن گروهی که برای مملکتش دل می سوزاند، گروه خودی ها است. وی با بیان اینکه امروز دشمنان مملکت ما جایزه اصلی را به کسی که پایه ها را متزلزل کند و با ایمان مردم بجنگد (غیرخودی ها) می دهند، افزود: البته مردم ما سال ها است به اینها (غیرخودی ها) توجهی ندارند، اینها بدبختند چون در قلم هایشان علیه حزب‌الله مقاومت می کنند. کشانی همچنین با بیان اینکه نقاب نفاق داخلی را باید بهتر شناخت، افزود: در واقع این افراد خودشان را بهتر به مردم معرفی می کنند، آنها که مدعیان اسلام و پیرو خط امام هستند و به گفته خود به آزادی بیان نیز معتقدند. وی یکی دیگر از ویژگی های افراد غیرخودی را خودباختگی خواند و افزود: ضعف این افراد، خودباختگی در برابر جنگ روانی دشمن است. بسیاری از این افراد بزدل با کوچکترین تهدیدی، مردم را به ترس دعوت می کنند، اینها منافقان عصر جدید هستند. عضو انصار حزب‌الله همچنین گفت: غیرخودی ها به دنبال منافع آمریکا هستند و مطبوعات آنها پایگاه دشمن شده است. آنها مطالب غیرامامی را در روزنامه خود مطرح می کنند. وی در ادامه با بیان اینکه خاکریز مقدم ما در حال حاضر لبنان است، افزود: یکپارچگی و وحدت حرف اول را در موقعیت فعلی می زند.

اعتراض تحکیم به حکم سلطانی

ایسنا: شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت (طیف علامه) در بیانیه‌ای نسبت به حکم پنج سال حبس تعزیری برای عبدالفتاح سلطانی اعتراض کرد. در این بیانیه آمده است: «شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت خواهان لغو احکام صادر شده برای آقای عبدالفتاح سلطانی فعال حقوق‌بشر و وکیل مدافع فعالین دانشجویی است.»

نگرانی همسر موسوی خوئینی

ایلنا: همسر علی اکبر موسوی خوئینی دبیرکل بازداشت شده سازمان ادوار تحکیم وحدت نسبت به وضعیت جسمانی همسرش ابراز نگرانی کرد. زهره اسلامی درخصوص وضعیت پرونده همسرش گفت: صحبت خاصی در مورد پرونده آقای موسوی خوئینی با ما نمی شود و فقط می گویند پرونده وی در مرحله تحقیقات مقدماتی است.

۲ لیست انتخاباتی اعتماد ملی در شهریور

ایسنا: در جلسه یکشنبه شب حزب اعتماد ملی ضمن تشکیل ستاد انتخاباتی این حزب به مسئولیت زمانی قمی (رئیس دفتر انتخابات حزب) با توجه به همزمانی انتخابات خبرگان و شوراها برنامه زمان‌بندی حزب تغییر کرد. زمانی قمی رئیس دفتر انتخابات حزب اعتماد ملی در این باره اظهار داشت: با توجه به اینکه قبل از مصوبه تجمیع دو انتخابات شوراها و خبرگان مقرر بود انتخابات شوراها در اسفندماه برگزار شود به طور طبیعی حزب اعتماد ملی برنامه ریزی های خود را با توجه به این تاریخ کرده بود و قصد داشت برای اسفندماه آماده باشد اما نظر به مصوبه اخیر و برگزاری همزمان دو انتخابات شورای مرکزی برنامه های خود را باید تغییر می داد که شب گذشته این اتفاق افتاد. زمانی قمی با اشاره به نهایی شدن لیست انتخاباتی حزب متبوعش اظهار داشت: در شهریورماه دو لیست انتخاباتی مان ارائه خواهد شد.

درخواست تبدیل قرار بازداشت اسالو

گروه سیاسی: یوسف مولایی و پرویز خورشید وکلای منصور اسالو از کارگران شرکت واحد که در بازداشت به سر می برد، با اشاره به اصول قانون اساسی و قوانین موضوعه کشور درخواست کردند تا قرار بازداشت موکلشان تبدیل و با قرار تامین مناسب آزاد شود.

انتقاد از ادامه بازداشت یک دانشجو

ایلنا: محمدعلی دادخواه وکیل مدافع محمد مجدزاده قائم‌مقام دانشجوی دانشگاه تهران نسبت به ادامه بازداشت موقت موکلش انتقاد کرد. وی همچنین گفت: پرونده موکلم در شعبه ۱۴ بازپرسی دادسرای انقلاب تهران مطرح است و خانواده وی نیز آمادگی تودیع قرار وثیقه وی را دارند اما با تبدیل قرار وی موافقت نمی شود.

نهضت آزادی در سفارت فلسطین

گروه سیاسی: برخی از اعضای نهضت آزادی ایران برای همدردی با ملت فلسطین، صبح دیروز در سفارت فلسطین با سفیر این کشور دیدار کردند. در این دیدار ابراهیم یزدی با سفیر فلسطین درباره مسائل اخیر لبنان و فلسطین گفت‌وگو، همچنین کمک های نقدی خود و همراهانش را به صلاح زواوی تقدیم کرد.

تحلیل رفتاری یک ساله گروه‌های ناکام در انتخابات ریاست جمهوری

برزخی‌ها

ایرج جمشیدی

واژه‌هایی که از فردای انتخابات ریاست جمهوری به ادبیات سیاسی گروه‌های سیاسی خارج از حاکمیت راه یافت به همان اندازه که نشان‌دهنده آمال و اهداف آنان است به همان اندازه هم نشانگر اختلافات درونی چنین گروه‌هایی به شمار می‌آید. دموکراسی‌خواهی، جمهوری‌خواهی، جبهه فراگیر اصلاحات، مشروطه‌خواهی، رفراندوم، مقاومت مدنی عبور از قانون اساسی یا ضرورت حفظ چارچوب‌های قانون اساسی همگی از واژه‌های سیاسی به‌شمار می‌آیند که این روزها سخت مورد توجه گروه‌های سیاسی خارج از حاکمیت قرار دارند. گروه‌های سیاسی که خواه به واسطه شکست در انتخابات چندساله گذشته، خواه به دلیل تحریم انتخابات یا حذف به واسطه رد صلاحیت اینک خارج از حاکمیت نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. این گروه‌ها اکنون محک نقد به میان کشیده و هر یک دیگری را عامل شکست و ناکامی اصلاحات می‌دانند.

اینان به اندیشه و استراتژی مدون خود به عنوان یگانه راه‌حل خروج از بن‌بست شکست تاکید می‌کنند. نگاهی به مواضع، بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها و مقالات منتشر شده در رسانه‌های جمعی یا سایت‌های اینترنتی نزدیک به چنین گروه‌هایی نشان می‌دهد که آنان به صورت نسبی شکست را پذیرفته‌اند و معتقدند گروه‌های رقیب یعنی اصولگرایانی که اینک تمام قدرت را از آن خود کرده‌اند، موفق شده‌اند سایر رقبا را از عرصه رسمی سیاست حذف کرده و یکه‌تاز میدان شوند. اگر بپذیریم قبول نسبی شکست، مخرج مشترک دیدگاه‌های چنین گروه‌هایی است، اما پس از آن اختلافات آغاز می‌شود و هرکدام راه خود را می‌روند. از آن رو به شکست نسبی گروه‌های غیراصولگرا در چند انتخابات گذشته به‌خصوص انتخابات ریاست جمهوری تاکید می‌شود که به اعتقاد بسیاری از فعالان سیاسی اگر شرایط انتخابات به‌خصوص در انتخابات مجلس هفتم به‌صورت مساعدتری فراهم می‌شد، امکان اینکه اصولگرایان تا این حد بتوانند به کرسی‌های مجلس تکیه بزنند، کمتر متصور بود. از همین‌رو گردهمایی‌ای مانند جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب هرگز شکست را در انتخابات مجلس هفتم قبول نداشته‌اند و معتقدند رد صلاحیت کاندیداهای آنان عامل اصلی پیروزی اصولگرایان بود. این در حالی بود که یک سال پیش از انتخابات مجلس هفتم همین گروه‌های اصلاح طلب شکست در انتخابات دومین دوره شوراها را پذیرفتند و به گروه پیروز تبریک گفتند. محمدرضا خاتمی نایب‌رئیس مجلس ششم فردای انتخابات شوراها رسماً از تریبون مجلس شکست را پذیرفت و اعلام کرد که از نتیجه این انتخابات درس‌های لازم را خواهد گرفت. با این وجود قبول شکست کامل در انتخابات شوراها تنها موردی بود که اصلاح طلبان آن را پذیرفتند زیرا به اعتقاد بسیاری گذشته از رویدادهای اوایل انقلاب، انتخابات دور دوم شوراها تنها انتخاباتی بود که برخی گروه‌های اپوزیسیون هم توانستند در آن شرکت کنند اما ناباورانه با شکست مواجه شدند. البته این در حالی بود که بالعکس این گروه هرگز حاضر به پذیرش شکست در انتخابات مجلس هفتم نشدند و در انتخابات ریاست جمهوری هم قبول شکست به صورت بینابین بود. به عبارت دیگر این حزب نتیجه انتخابات را به رسمیت شناخت و در عین حالی که پذیرفت کاندیدای اختصاصی‌اش یعنی دکتر مصطفی معین نتوانسته رای لازم را اخذ کند اما با این وجود نسبت به شرایط و نحوه برگزاری انتخابات برخی اعتراض‌ها را هم وارد کرد و آن را بی‌تاثیر در نتیجه نهایی آن ندانست. سایر گروه‌های سیاسی اصلاح طلب هم که تا پیش از انتخابات ریاست جمهوری در حاکمیت نظام جمهوری اسلامی حضور داشتند، کمابیش چنین موضعی داشتند. البته در این میان، مواضع گروه‌های سیاسی اپوزیسیون متفاوت بود. به خصوص آن دسته از گروه‌های سیاسی که اصطلاحاً به «تحریمی‌ها» معروف هستند. این گروه‌ها شکست حتمی را نتیجه طبیعی شرایط برگزاری انتخابات دانستند. به همین دلیل، آنان دائماً به گروه‌های اصلاح طلب داخل حاکمیت توصیه می‌کردند از حضور در انتخابات خودداری کرده و زمینه برگزاری یک رفراندوم را فراهم کنند.

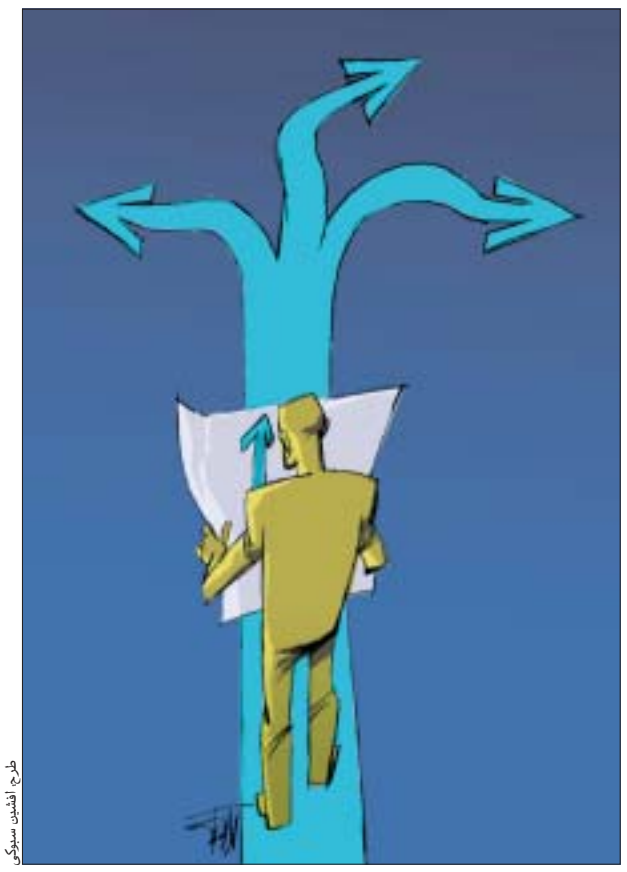
طرح افشین سیوکی

به هر حال، اگر از مرحله اول تحلیل ها یعنی پذیرفتن نسبی شکست - بدون در نظر گرفتن دلایل آن - بگذریم شاید دیگر نتوان مخرج مشترکی را میان احزاب و گروه‌های سیاسی یاد شده پیدا کرد زیرا هر گروه از دلایل شکست تعبیر خاص خود را دارد که گاه متناقض با تعابیر گروهی دیگر است. از این حادثه، راهکارهایی است که این گروه‌ها برای خروج از موقعیت یاد شده ارائه می‌دهند. تحریمی‌ها که اینک تحت عنوان گروه‌هایی چون سلطنت طلبان، پیروان تشکیل جبهه جمهوریخواهی، دموکراسی‌خواهان تمام‌عیار و معتقدان به تاسیس یک نظام لائیک شناخته می‌شوند، از اساس هر نوع حضور در داخل حاکمیت نظام جمهوری اسلامی را قبول ندارند و معتقدند شرکت در انتخاباتی که در چارچوب نظام جمهوری اسلامی برگزار می‌شود، به معنای مشروعیت‌بخشی به آن انتخابات و مجموعه حاکمیت است. از همین رو، آنان بر این تحلیل‌اند که هر گروهی ولو با اسامی مترقی در انتخابات برگزار شده از سوی نظام جمهوری اسلامی شرکت کند، نمی‌تواند در دایره «جمهوریخواهان واقعی» قرار بگیرد. هجمه تبلیغاتی سنگین از سوی تحریمی‌ها علیه گروه‌های سیاسی اصلاح طلب شرکت‌کننده در انتخابات اخیر نتیجه تحلیل رفتاری آنان است. تحریمی‌ها بسیار علاقه‌مندند اندیشه‌های موجود نزد اصلاح طلبان داخل حاکمیت از جمله اعتقاد آنان به آزادی واقعی انتخابات را زیر سئوال ببرند. آنان اصلاح طلبان را بیشتر گروه‌هایی قلمداد می‌کنند که حاضرند اگر کاندیداهای اختصاصی‌شان مورد قبول واقع شد، بدون توجه به وضعیت سایر گروه‌های سیاسی در بازی شرکت کنند. در مجموع، «تحریم» یگانه راه‌حلی است که این گروه‌ها به عنوان استراتژی نهایی انتخاب کرده‌اند. گو اینکه طبق اصول قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی شرایط حضور در انتخابات بر داشتن صلاحیت‌هایی استوار است که تحریمی‌ها رسماً عدم اعتقاد خود به آن موارد را اعلام کرده‌اند. اما در این میان، وضعیت اصلاح طلبان داخل نظام جمهوری اسلامی به کلی متفاوت است. آنان پایبندی خود به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی را قبول دارند و معتقدند اگر نهادهای ذیربط تفسیری محدود از اصول قانون اساسی را ملاک گزینش داوطلبان قرار ندهند، امکان حضورشان در انتخابات مقدور است. حتی این دسته از گروه‌های سیاسی اگرچه در روش‌های سیاسی خود بر منشور جمهوریخواهی تاکید می‌کنند اما تعابیرشان از جمهوریخواهی با سایر جمهوریخواهان طرفدار تحریم به کلی متفاوت است. جمهوریخواهان اسلامی به اسلامیت و جمهوریت در کنار هم تاکید می‌کنند اما دیگری نظامی لائیک را می‌طلبد. این تفاوت‌ها باعث شده تا عرصه نقد این گروه‌ها علیه یکدیگر گاه تا مرز دشمنی تمام‌عیار هم کشیده شود و هر یک دیگری را با اتهامات بسیار سنگینی مواجه کند.

■ مخرج مشترک رهایی

به نظر می‌رسد در میان چنین درگیری‌هایی جای طرح یک سئوال خالی است؛ سئوالی که شاید تا حدودی بتواند فیصله‌دهنده دعواهای فرسایشی و البته بی‌نتیجه باشد. سئوال این است آیا همانگونه که تمامی گروه‌ها به صورت نسبی شکست را - بدون توجه به دلایل آن - قبول کرده‌اند راهی برای خروج از این شکست که حداقل به صورت نسبی مورد قبول همگان باشد، وجود ندارد؟ پاسخ به این سئوال از آن روی ضروری است که اکنون برخی گروه‌ها به خصوص قشر دانشگاهی میان برزخی از ایده‌های دوگانه تحریم یا مشارکت گرفتار شده‌اند. حتی تحلیل رفتار انتخاباتی جبهه مشارکت به عنوان بزرگترین حزب اصلاح طلب هم نشان می‌دهد آنان نیز بین نوعی از برزخ عدم حضور یا مشارکت در حال حرکت بوده‌اند. در حالی که این حزب اعلام کرد در انتخابات مجلس هفتم شرکت نخواهد کرد از کاندیداهای تایید صلاحیت شده خود هم درخواست انصراف کرد، اما این حزب در انتخابات ریاست جمهوری حضور گسترده یافت و با قدرت تمام در انتخابات شرکت کرد. همین رفتارهای انتخاباتی باعث شده تا احزاب کوچک‌تر یا گروه‌های فعال دانشجویی اصلاح طلب در تحلیل جریانات انتخاباتی دچار نوعی بن‌بست شوند و از تمییز رفتارهای سره از ناسره درمانده شدند. شرایط ابهام که از فردای انتخابات ریاست جمهوری تشدید هم شد، به موج اختلافات افزود و حتی دامان احزاب قدیمی‌تر کشور از جمله نهضت آزادی و جریان ملی - مذهبی را گرفت. حمایت از هاشمی‌رفسنجانی در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری مقابل محمود احمدی‌نژاد عامل جدید اختلاف بین رهبران جنبش اصلاح طلب و ملی- مذهبی با بدنه آنان بود؛ بدنه‌ای که بسیار جوان و دارای احساسات پرشور بود و حمایت از هاشمی را به هر دلیلی نمی‌توانست هضم کند. به هر حال به نظر می‌رسد به عاریه گرفتن واژه‌های سیاسی جدید بیش از آنکه نشانگر نوع جدیدی از افکار و ایده‌های سیاسی باشد، نشانگر نوعی ناکامی و ابزاری برای تخطئه دیگری است.

اصلاح اصلاحات یا اصلاح اصلاح طلبان

نکاتی پیرامون اصلاح طلبی مضاعف

آرش شعبانی

در اوایل انقلاب اسلامی دعوای اصلی بر سر تفاوت در استراتژی بود.

یکی می‌خواست «جامعه و حکومتی اسلامی» بسازد و دیگری «خلق را از بی‌عدالتی برهاند و حکومتی برای خلق» برپا کند و دیگران نیز بر همین منوال دنبال استراتژی‌هایی متفاوت بودند. اما امروز همه نیروهای اصلاح طلب و اپوزیسیون تفاوتشان نه در استراتژی بلکه در تاکتیک مورد نظر برای رسیدن به این استراتژی یعنی جامعه‌ای دموکراتیک است. خوشبختانه احزاب و گروه‌های اصلاح طلب و اپوزیسیون دریافته‌اند که چاره رهایی از وضع موجود و دستیابی به آرمان‌ها و اهدافی که از مشروطه سرچشمه می‌گیرد شرایطی است که دموکراسی در آن حرف اول را بزند نه یک حزب، طبقه و ایدئولوژی. اکنون دیگر از آزادی و دموکراسی دم زدن فضیلتی نیست، چرا که تبدیل به موضوع نگاه همگان شده است. حال اما باید دید که چه نسخه‌ای برای دستیابی به این اهداف پیچیده می‌شود. خواندن مقاله اصلاح طلبی مضاعف، سپس سخنرانی آقای جلایی‌پور در اصفهان و به خصوص این عبارت که «من به چانه‌زنی از بالا اعتقاد دارم و آن فشار از پایین همینی بود که در این چند سال اتفاق افتاد... اگر فشار از پایین باعث شود که بالا بترسد همین می‌شود که شد» پرسش‌ها و انتقاداتی را به ذهن متبادر کرد که در ادامه به آن اشاره می‌شود. ابتدا اما چند پرسش را باید مطرح کرد. در این چند سال اصلاحات، «فشار از پایین» به معنای واقعی کلمه چند بار اتفاق افتاده؟ اگر فشار افکار عمومی را هم فشار از پایین بپنداریم، هر کجا که این نیرو با اصلاح طلبان درون حاکمیت همراه شده نتیجه آن به نفع اصلاح طلبان بوده، مانند افشای قتل‌های زنجیره‌ای.

اگر هم منظورتان حرکات دانشجویی است یا مثلاً تجمع اخیر میدان هفت‌تیر، که به هیچ عنوان نمی‌توان آنها را فشار از پایین تلقی کرد. فشار از پایین زمانی اتفاق می‌افتد که همه اقشار و طبقات در آن نقش داشته باشند. آیا علت به بن‌بست رسیدن اصلاحات همین به تعبیر شما فشار از پایین‌ها بوده؟ اطلاق نام «اصلاح طلبان حکومتی» به اصلاح طلبان به چه خاطر است؟ آیا به خاطر این نیست که در این هشت سال، اصلاح طلبان به جای پاسداشت و صیانت از بیست و چند میلیون رای به گپ زدن و نه چانه‌زنی، با بالا پرداختند و به جای سازمان‌دهی این جنبش و پتانسیل اجتماعی خودجوش، ناظر هدر رفتن و تلف شدن آن بودند.

کدام اصلاح طلبی به عنوان آلترناتیو؟

۱ - در ابتدا نگارنده نیز موافقت خود را با نظر آقای جلایی‌پور پیرامون آرمانی و نشدنی بودن انقلاب آرام اعلام می‌دارد چرا که اگر شرایط اجتماعی و پتانسیل لازم برای انقلاب آرام وجود داشت که اصلاً اصلاحات به بن‌بست نمی‌رسید و یا شاید هم نیازی به اصلاح طلبان نبود. اما نکته این جا است که دیگران چه آلترناتیوی معرفی می‌کنند. آیا به صرف این که انقلاب آرام ناشدنی است هرگونه اصلاح طلبی از هر اصلاح طلبی پذیرفتنی است؟

۲ - با توصیفی که آقای جلایی‌پور از جامعه ایران دارند مبنی بر اینکه جامعه ایران جامعه‌ای است «به شدت دولتی، نفتی، ایدئولوژیک، مذهبی، امنیتی، شیپوری و...»، آیا نباید اصلاح طلبی و روشن‌گری را به سمت مردم سوق داد و نه چانه‌زنی از بالا؟ به طوری که با این همه امکانات جایی برای خودنمایی پوپولیسم نباشد و جامعه در برابر آن واکسینه شده باشد؟ در غیر این صورت اصلاح طلبان فاقد هیچ‌گونه قدرت رسانه‌ای، اقتصادی و نیروی انسانی متشکل با چه سرمایه‌ای می‌خواهند به چانه‌زنی در بالا بپردازند؟

۳ - مرحله گذار به این معنا نیست که باید منفعلانه چشم انتظار رسیدن وقایع نشست. مرحله گذار مرحله‌ای است که امکان وقوع چرخه و دور باطل در آن وجود دارد. بخش نه چندان کوچکی از تاریخ آغاز مشروطه نشان می‌دهد ما در مرحله گذار در حال دست و پا زدن و تجربه تجربیات گذشتگانیم و این پرسش پیش می‌آید که «گذار تا کی؟» مرحله گذار نباید این تصور غلط را پیش بیاورد که سرنوشت محتوم و جبری جامعه، حداقل در نسل حاضر، رسیدن به دموکراسی است. باید در این مرحله تلاشی مضاعف داشت چرا که مرحله‌ای است برزخی و نبردی میان دموکراسی‌خواهان و مخالفان آن.

۴ - در مورد رابطه تحکیم و اصلاح طلبان سخن زیاد گفته شده است. انصاف می‌گوید که اصلاح طلبان در قبال دانشجویان رفتار درستی نداشتند (این به معنای درست بودن همه فعالیت‌های دانشجویان نیست). آنها از فوران احساسات اصلاح طلبانه دانشجویان نه به خوبی حمایت و نه آن را هدایت کردند. این باعث شد که پتانسیل و ذخیره عظیم و ارزشمند دانشگاهی اصلاحات از دست برود و به یاس و ناامیدی و یا مواضع بسیار رادیکال‌تر، پرهزینه و بی‌فایده تبدیل شود. همچنین این که گمان کنیم مخالفان اصلاحات، دفتر تحکیم و انجمن‌های اسلامی را در عرصه عمومی جامعه و دانشگاه محدود کرده اما اصلاح طلبان از عرصه عمومی و جامعه مدنی حذف نشدنی هستند بیشتر به شوخی می‌ماند. اصلاح طلبان در کجای این عرصه عمومی حضوری پررنگ و موثر دارند؟ آیا آنها خود را قبل از حذف شدن از قدرت از عرصه عمومی حذف نکرده بودند که این چنین حذفشان از قدرت آسان بود؟ نامه سرگشاده نوشتن، اعتراض نسبت به ندادن مجوز برای روزنامه و انتشار خبرنامه به صورت محدود که حضور در عرصه عمومی نیست.

۵ - این که بگوییم فقط طرفداران انقلاب آرام اصرار دارند که راهبردشان را اصلاح طلبان بپذیرند درست نیست زیرا در مقابل اصلاح طلبان هم همین اصرار را در قبال طرفداران انقلاب آرام دارند. همان‌طور که پس از اعلام نتایج ریاست جمهوری اصلاح طلبان، تحریمیان (طرفداران انقلاب آرام) را عامل شکست خود معرفی کردند و توقع داشتند که آنها را هم نظر با خود می‌دیدند. این سطور به معنای دفاع از انقلاب آرام در برابر با اصلاح طلبی نیست اما باید مشخص کرد که از کدام اصلاح طلبی سخن می‌گوییم. اصلاح طلبی، مضاعف در چه چیز؟ معرفی کردن مدل جدید اصلاح طلبی با این اوصاف: «اصلاح طلبی با آگاه کردن افراد به حقوق و مسئولیت‌هایشان، با تقویت نهادهای مدنی و صنفی و... ورود به مجلس، دولت و شوراها باشد و اصلاح طلبی مضاعف همه اینها است اما قوی‌تر شده و با نقد منصفانه دوره گذشته» حامل هیچ تضمینی برای رای‌دهندگان نیست و بیشتر شبیه شعارهای انتخاباتی است. اینجا باید خود اصلاح طلبانی که در قدرت حضور داشتند به صحبت و نقد خود بپردازند و سپس در انتخابات شعارهایی انتخاب کنند که مشخص باشد و ماده واقعی داشته باشد. آقای جلایی‌پور گفته‌اند که «اصلاح طلبان با پای قطع شده توسط دولت پنهان همچنان در حوزه جامعه، انحصارطلبی را افشا و محکوم می‌کنند و به ایستادگی مدنی خود ادامه خواهند داد.» اما به واقع این گزاره‌ای است که ما در این چندساله و حتی انتخابات اخیر عملیاتی شدن آن را ندیدیم به جز افشای قتل‌های زنجیره‌ای که اتفاق بود و نه روال. وقتی اصلاح طلبان نمی‌توانند انتخاباتی قابل قبول برای خود را برقرارکنند و حتی متخلفین را افشا نمی‌کنند و در این باره وعده طرح در کتاب خاطرات را می‌دهند و در نهایت «شکایت نزد خدا می‌برند» چگونه می‌توان انتظار داشت که مردم از این گونه نیروها سلب اعتماد نکنند؟ اینچنین است که مردم هم به جای تلاش برای دموکراتیزه کردن، ترجیح می‌دهند که بدون هیچ گونه هزینه، شکایت نزد خدا ببرند! آقای جلایی‌پور در این بخش از سخنانش همچنین گفته‌اند «آحاد و افراد جامعه دو سه بار در انتخابات شرکت کردند و به اصلاح طلبان رای دادند، بعد هم فوری خسته شدند و...»

اما فرض کنید که در انتخابات مجلس هفتم تمامی کاندیداهای اصلاح طلب تایید می‌شدند و مردم هم به آنها رای می‌دادند و ترکیبی مانند مجلس ششم و حتی بهتر از آن شکل می‌گرفت. آیا این بار لوایح دو قلوی رئیس جمهور، اصلاح قانون مطبوعات و... تصویب و از فیلتر شورای نگهبان رد می‌شد؟ در مجلس ششم مشکل تصویب مجلس نبود بلکه رد شدن توسط شورای نگهبان بود که اصلاح طلبان نه با چانه‌زنی از بالا توانستند این طرح‌ها را به تصویب شورای نگهبان برسانند و نه از فشار از پایین بهره گرفتند. آقای جلایی‌پور همچنین گفته‌اند «که اصلاح طلبی مضاعف مستلزم رفع نقیصه گفت‌وگو با بالا است.» گرچه رفع نقیصه چانه‌زنی در بالا بسیار مهم است اما اگر توام با رفع نقیصه فشار از پایین نباشد بناکردن خانه بر روی آب است.

■ فشار از پایین یا چانه‌زنی از بالا؟

اگر تنها به فشار از پایین در شرایط امروز ایران اکتفا کنیم (آن هم به فرض محال) به هرج و مرج و نوعی آنارشیگری خواهیم رسید.

چانه‌زنی از بالا هم به تنهایی به درد شریک شدن در قدرت می‌خورد. با این کار قدرت را شاید بتوان «سهامی خاص» کرد اما «سهامی عام» کردن آن بسیار بعید به نظر می‌رسد. مشکل دموکراسی‌خواهان با دولت پنهان سوءتفاهم بر سر مفهوم دموکراسی نیست. دولت پنهان و انحصارطلبان نه تنها با دموکراسی بیگانه نیستند بلکه آن را حتی از برخی دموکراسی‌خواهان بهتر و عمیق‌تر می‌شناسند. حال شما با صرفاً چانه‌زنی از بالا می‌خواهید مزایای دموکراسی برای مردم را برای آنها روشن کنید؟ آیا فرایند دموکراتیزه کردن ساختار قدرت در ایران را با شرکت در یک بحث و مناظره دانشگاهی برابر می‌دانید که می‌خواهید طرف مقابل را با استدلال قانع کنید؟ اگر هم منظور اعتمادسازی باشد که این هشت سال به گمانم به چیزی جز اعتمادسازی نگذشته است. اگر چاره تنها چانه‌زنی از بالا است آیا امروز اصلاح طلبان می‌توانند مجوز روزنامه را با چانه‌زنی از بالا بگیرند؟ آیا انتخابات مجلس هفتم حاصل اکتفا به همین چانه‌زنی از بالا نبود؟

■ رجعت به گذشته

چه اصرار داریم پس از هر شکستی راهبرد و تاکتیک را عوض کنیم و نگاهی به کیفیت اجرای تاکتیک نداریم؟

در واقع در طول هشت سال اصلاحات راهبرد «فشار از پایین، چانه‌زنی از بالا» در هیچ قسمتی به درستی اجرا نشد. امروز هم تاکید نگارنده بر این راهبرد به معنای مهیا بودن شرایط برای فشار از پایین نیست بلکه باید احزاب اصلاح طلب، آن را سازماندهی کنند.

نگاه

پوزش از آقایان هاشمی خاتمی، کروبی، روحانی

محمدحسن رجبی

طی سال‌های اخیر که نامه‌نگاری‌ها، مقالات و سخنرانی‌های سیاسی خانم فاطمه رجبی (خواهر اینجانب محمدحسن رجبی) در مطبوعات کشور و نیز سایت‌ها انتشار یافت بارها بزرگان، دوستان، آشنایان و فعالان عرصه سیاست و مطبوعات، طی دیدارها و تماس‌ها با پدرم (حجت‌الاسلام والمسلمین علی دوانی)، برادران و اینجانب، نظر ما را نفیاً یا اثباتاً نسبت به نقطه نظرات و مواضع سیاسی ایشان جویا شده‌اند. بنده نیز به نوبه خود شفاهاً اعلام داشته‌ام که موافقتی با اظهارات سیاسی خواهرم ندارم و نادرست بودن بسیاری از آنها را که متاسفانه با ادبیاتی احساساتی و پرخاشگرانه و در برخی موارد به دور از نزاکت اخلاقی در حق بزرگان نظام است، بارها مشفقانه به وی بیان داشته و آنها را به دور از انصاف، اخلاق سیاسی و حرمت قلم دانسته‌ام. ایشان براساس نگرش و تحلیل خاص خود از اوضاع سیاسی کشور، همچنان بر رای خود استوار بوده و به نقد سیاست‌های دو دولت گذشته و آرا و عملکرد بزرگان نظام به شیوه گذشته می‌پردازند. در نامه اخیر خواهرم که در دفاع از برهم‌زنندگان مراسم سخنرانی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در شهر قم و انتقاد از محکومیت آنها در دادگاه انتشار یافته، بار دیگر همان نقطه‌نظرات و اتهامات تکرار شده است. اینجانب به سهم خود ضمن مخالفت با مطالب و مضامین این نامه، از محضر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، حجج‌اسلام آقایان خاتمی، کروبی و روحانی عمیقاً پوزش طلبیده و به خانم فاطمه رجبی اجمالاً یادآور می‌شود که آیا با گذشت بیش از یک سال از پایان دولت گذشته و آغاز به کار دولت آقای احمدی‌نژاد، هنوز وقت آن نرسیده که به جای انتقاد چندباره از سیاست‌های گذشته دولت‌های آقایان هاشمی‌رفسنجانی و خاتمی، به تبیین عملکرد دولت کنونی- که خوشبختانه از همدلی و همکاری بی‌سابقه همه ارکان و شخصیت‌های سیاسی موثر نظام برخوردارند- بپردازند و به سئوالات و نگرانی‌های فراوانی که پیرامون برخی نظرات، سیاست‌ها، اقدامات و برنامه‌های رئیس جمهور محترم و دولت در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاست خارجی و... در سطح جامعه، صاحب‌نظران حوزه و دانشگاه و فعالان سیاسی و مطبوعاتی مطرح است، پاسخ گویند؟

جوابیه

پاسخ یک عضو تحکیم به انتقادهای اصلاح طلبان

شرق: در پی درج سخنان علی تاجرنیا در روزنامه شرق، فرید مدرسی عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت توضیحاتی را درخصوص این اظهارات به دفتر روزنامه ارسال کرده است که در پی می‌آید.

■■■

روز یکشنبه خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) خبری را با کد ۸۵۰۵-۳۶۳۲ مخابره کرد که روزنامه شرق در صفحه ۴ خود به آن پرداخت و آن را منتشر کرد. این خبر اظهار نظر یکی از اعضای شورای مرکزی حزب مشارکت در مورد ماهیت انجمن‌های اسلامی دانشجویان بود که نظر فرد مذکور نه در قالب نقد، بلکه انتساب برخی اتهامات همچون «برخی انجمن‌های اسلامی با رفتار خود منکر هویت دینی می‌شوند»، «این برخورد منافقانه با تشکل شصت ساله است»، «دچار التقاط شده‌اند» و... به این تشکل‌ها بود. لذا اینجانب در مقام یکی از اعضای شورای مرکزی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت) لازم دیدم اعتراض خود را در قالب «جوابیه» نه پاسخ به اظهار نظر ایشان بیان و اعلام کنم و به نمایندگی از این اتحادیه مواردی را متذکر شوم. در تاریخ معاصر ایران به راحتی می‌توان برچسب‌های سیاسی- اعتقادی بیکرانی را یافت که گروه‌های سیاسی و فعالان این عرصه برای حذف رقبای خود با توجه به بافت فرهنگ دینی مردم ایران از آن تمسک جستند. نمونه‌هایی از این شگرد در حذف برخی از فعالان سیاسی چپ مذهبی در برخی انتخابات‌ها از عرصه قدرت دیده شد. انتساب برچسب‌های حاوی اتهامات ضددینی و مخالف شعائر اسلامی بر روی فعالان سیاسی‌ای پیاده شد که خود آنان امروز از همین شگرد برای طرد و تکفیر برخی از فعالان دانشجویی و انجمن‌های اسلامی یاری گرفته‌اند. این دوستان که امروز انجمن‌های اسلامی را بدون هیچ آمار و اطلاعات منطقی و مشخص به برخی اتهامات که نگارنده شرم بیان آن را دارد متهم می‌کنند، خود روزی به «بی‌تقوایی» متهم بودند و به این دلیل ردصلاحیت شدند. این اتهامات از سوی رقبایشان به گونه‌ای بود که یکی از اعضای ارشد اصلاح طلبی در آن زمان خطاب به ردصلاحیت‌کنندگان به کنایه از «تقواسنج» سخن گفت. امروز هم همین دوستان از سوی رقبای خود به «ارتباط با بیگانه و صدای آمریکا و اسرائیل» و «انجام رفتارهای ضددینی» محکوم هستند. حال سئوال این است که چگونه این دوستان از همین شگرد که خود معترض آن هستند، استفاده می‌کنند و انجمن‌های اسلامی را با همین چوب تکفیر مورد نوازش برادرانه قرار می‌دهند؟! البته پاسخ به این